

بود و متخصص در هک. پیش خودم احساس می‌کردم که خیلی آدم خوبی هستم که به زیارت امام رضا (ع) می‌روم، اما آقا حرفی در دهان این جوان گذاشت تا خرد و خرابم کند. تا مشهد گریه کردم؛ جوری که اول رفتم حرم، بعد راهی هتل شدم. این پسر که جوانی ۲۱ ساله بود، به من گفت آقا قیافه‌ی شما برای من خیلی آشناست، شاید هم‌کلاسی بودیم. بعد گفت نه، بعید است همسن بابای من هستید اما هر کسی هستید متوجه باشید که همه‌ی ما می‌دانیم با خدا چندچند هستیم. خیلی حرف مهمی بود؛ همه‌ی ما می‌دانیم چکاره هستیم. نمی‌توانیم پیش همه دستمان را رو کنیم. دین اجازه نمی‌دهد چون گناه بزرگی است، اما خودمان در جریان هستیم. با امام رضا هم می‌دانیم چندچند هستیم. حالا اگر قرار باشد که به جز خدا برای کسی کار کنیم، باختیم.»

برای گرفتن به پست تلاش نمی‌کنم

رسیدن به درجه‌های بالای مدیریتی، شاید برای خیلی‌ها یک آرزو، یا یک برنامه در زندگی شخصی باشد. علیرضا دبیر هم از این قانده مستثنا نیست، اما برای رسیدن به کدام پست تلاش می‌کند: «دیدگاه من کمی متفاوت است. اول اینکه من برای گرفتن هیچ پستی تلاش نمی‌کنم. خدا آن روز را نیاورد که من راه بیفتم و بخواهم پستی را بگیرم. امام صادق (ع) می‌فرماید اگر کسی سراغ پستی آمد، به او ندهید، آدم خوبی نیست. خیلی‌ها نزد من می‌آیند که آقا من را برای فلان سمت بگذارید، اما من این کار را انجام نمی‌دهم. حتی اگر آن شخص در ذهن‌ام هم بود، دیگر آن را انجام نمی‌دهم.»

می‌خواستند ورزشکاران به شورا ورود نکنند، من را زدند

ماندن در عرصه‌ی مدیریت کشتی، یکی از مهم‌ترین سوال‌ها از علیرضا دبیر است. او تا چه زمانی برای ماندن در ریاست فدراسیون برنامه‌ریزی کرده است: «هیچ کاری مهم‌تر و بهتر از این نیست که به خودتان برسید. ولی وقتی کاری را بگیرید، باید به بهترین شکل ممکن آن را انجام بدهید. درباره‌ی کارم در شورا حرفی نمی‌زنم، اما از دوستان و همکاران‌ام در شورا پرسید و ببینید چه کسی کار کرد، چه کسی کار نکرد. از اصلاح‌طلبان پرسید. نخواستند اعلام کنند چه کسی کار کرد و چه کسی کار نکرد. می‌خواستند ورزشکاران ورود نکنند، من را هم زدند.»

از دفتر علی‌آبادی به وزارت کشور رفتم

چه شد که دبیر وارد سیاست شد؟ این هم شاید یکی از بخش‌های مهم مصاحبه با علیرضا دبیر باشد. سوالی که جواب آن حکایت از ورود اجباری به

سیاست دارد: «سال ۸۵ نمی‌خواستم به شورا بروم. برای ثبت‌نام در انتخابات فدراسیون کشتی اقدام کردم، اما ثبت‌نام‌ام نکردند. گفتند باید بالای سی سال داشته باشید، درحالی‌که قانون سکوت کرده بود. در قانون آمده بود سی سال، اما مشخص نکرده بود سی سال تمام یا ابتدای سی سال. به دیدن محمد علی‌آبادی، رئیس وقت سازمان تربیت‌بدنی رفتم. گفت شما جوانی و از این حرف‌ها. نظرش روی محمدرضا یزدانی خرم بود، اما روی گفتن آن را نداشت.»

به شورای شهر رفتم تا خودم را ثابت کنم

فدراسیون کشتی، خانه‌ی یک قهرمان کشتی محسوب می‌شود. به‌همین خاطر علیرضا دبیر به‌دنبال ریاست فدراسیون کشتی بود، آن هم در شرایطی که سی سال بیشتر نداشت. اما اجازه ندادند تا او راه دیگری را در پیش بگیرد: «به‌حدی از این رفتار ناراحت شدم که بلافاصله از سازمان تربیت‌بدنی بیرون آمدم. شناسنامه در دست‌ام بود. مستقیم به فرمانداری تهران رفتم و برای انتخابات شورا ثبت‌نام کردم تا خودم را ثابت کنم. درواقع هیچ برنامه‌ای برای ورود به انتخابات نداشتیم. سه لیست وجود داشت. رایحه‌ی خوش خدمت، احمدی‌نژادی‌ها بودند که با خسرو دانشجو و پروین احمدی‌نژاد آمدند. اصولگرایان با قالیباف و چمران ورود کردند و اصلاح‌طلبان با احمد مسجدجامعی و معصومه ابتکار آمدند که هادی ساعی در لیست آنها بود.»

قبول‌ام نداشتند؛ مستقل رای آوردم

ورود به شورا نیاز به همکاری با جناح‌های سیاسی داشت، اما کدام حزب و کدام جناح؟ شاید فقط باید یک قهرمانی در حد علیرضا دبیر باشید تا بتوانید بدون ورود به لیست‌های جناحی، رای لازم برای ورود به شورای شهر به دست بیاورید: «من در هیچ‌کدام از لیست‌ها نفتم و مستقل رای آوردم. نه اینکه دوست نداشته باشم، اما قبول‌ام نداشتند. حتی با آنها صحبت کردم اما هر سه گروه گفتند جا نداریم. رفتم تا خودم را ثابت کنم و نشان بدهم که کاربلد هستم. درواقع من را در ورزش نخواستند. در ۲۸ سالگی از ورزش به بیرون پرتاب‌ام کردند. کتفام پاره بود و مصدوم شده بودم. دانشجوی دکترا بودم. بعد که درس‌ام تمام شده بود و امتحان جامع را هم داده بودم و مسئولیتی نداشتم.»

پیشنهاد سرمربیگری تیم ملی را قبول نکردم

یک کشتی‌گیر زیر و همه‌فن حریف. دارنده‌ی مدال طلای جهان و المپیک که بسیار باهوش

هم بود، شاید مهم‌ترین فرد برای سرمربیگری تیم ملی بود اما علیرضا دبیر در ۲۷ سالگی این پیشنهاد را رد می‌کند تا شانس جوان‌ترین سرمربی تاریخ کشتی را از دست بدهد: «به من پیشنهاد دادند سرمربیگری تیم ملی را قبول کنم. ۲۷ ساله بودم که در دوره‌ی یزدانی خرم، منصور برزگر را به‌همراه منصور مهدی‌زاده و تقی اکبرنژاد فرستاده بود و پیشنهاد دادند سرمربیگری تیم ملی را قبول کنم، اما گفتم نمی‌توانم وقت‌ام را بین هشت نفر تقسیم کنم. این امکان وجود نداشت که هم به تیم ملی برسم و هم برای خودم وقت بگذارم. سرمربی تیم ملی باید خودش را وقف تیم ملی کند. اسم نمی‌برم اما مشخص است که یک نفر به‌عنوان سرمربی، خودش را وقف تیم ملی کرده است.»

دوازده سال از ورزش دور شدم

یک برخورد و یک قهر باعث شد تا علیرضا دبیر، دوازده سال از ورزش فاصله بگیرد. شاید اگر آن زمان ورزش جلوی ورود دبیر به انتخابات را نمی‌گرفت، علیرضا دبیر هم هرگز وارد شورا نمی‌شد و تا این اندازه از ورزش فاصله نمی‌گرفت، اما مقاومت مسئولان ورزش باعث شد تا او با حالت قهر از ورزش جدا شود: «دوازده سال از ورزش دور شدم. در این دوازده سال همه‌چیز دیدم، از کتک خوردن، کار عمرانی، کار اجتماعی، بالا و پایین زندگی و خیلی از مشکلات دیگر. شهردار تهران به‌اندازه‌ی ده وزیر قدرت دارد. ۲۹۸ نفر در مجلس به یک وزیر رای می‌دهند، اما در شورا به ده وزیر! به چشم نمی‌آید اما پانزده نفر در شورا، به ده وزیر رای دادند.»



گفتند سیاسی هستید به کشتی نیاید

رفتن به عرصه‌ی سیاست، بازگشت به خواستگاه اصلی علیرضا دبیر را با مشکل روبه‌رو کرده بود. وقتی هم قصد بازگشت داشت، نه‌تنها کسی برای او آغوش باز نکرد، بلکه مقابله هم کردند: «قبل از ورود به کشتی، کمتر از شانزده سال سابقه‌ی مدیریت داشتم. دو جریان مخالف، هفت‌سال‌ونیم برای من سم‌پاشی کردند. در این پانزده، شانزده سال حتی یکبار هم من را دعوت نکردند. وقتی می‌خواستم به کشتی ورود کنم، به من گفتند سیاسی هستید چرا می‌خواهید به کشتی ورود کنید. من خواستگاه‌ام اینجا بود. دکتر معین، دکتر دستجردی و دکتر مرندی، وقتی در سیاست نیستند به سراغ کار پزشکی خود می‌روند. این حرفی که به من زدند مثل این بود که به مرندی بگویند چون وارد سیاست شدید، دیگر دکتر نیستید. برخورد خوبی با من نشد. جوسازی شده بود، اما الان که آمدم کارم را انجام می‌دهم.»

عصای جادو ندارم

حالا دو سالی از حضور علیرضا دبیر در فدراسیون کشتی می‌گذرد و در آستانه‌ی بازی‌های المپیک، نگاه همه به سوی این رقابت‌هاست تا ببینند چه کشتی چه نتیجه‌ای می‌گیرد. او تیم‌هایی را در اختیار گرفت که شرایط خوبی نداشتند و همین باعث شد تا بگوید کسب موفقیت در المپیک آسان نیست: «به نشست ستاد بازی‌های المپیک و بازی‌های پارالمپیک که رفته بودم، از من خواستند تا اعلام کنم چند مدال می‌گیریم و چه کسانی می‌گیرند، اما به همه‌ی آنها گفتم که هرگز چنین کاری نمی‌کنم. من حرفه‌ای هستم. تیم یازدهم دنیا در کشتی فرنگی را گرفتم و تیم ششم و نهم دنیا در آزاد. من عصای جادو ندارم که بخواهم معجزه کنم، ولی دلیل نمی‌شود که تلاش نکنم. برای المپیک اگر آدم استثنایی مثل حمید سوریان باشد، باید هشت سال کار کند تا به مدال المپیک برسد و اگر یک آدم معمولی مثل من باشد، باید دوزده سال کار کند تا به مدال المپیک برسد. در این یک‌سال نمی‌توان کار عجیبی نمی‌توان نکرد. از نتیجه‌ی کم راضی نمی‌شوم، اما برای رسیدن به موفقیت باید ابزارش را داشته باشید. وقتی تیم یازدهم دنیا را به من دادند، باید چکار کنم. عقب افتادن المپیک، هم کمک کرد و هم کمک نکرد. از روسیه عقب افتادیم، شاید از برخی کشورها جلو افتاده باشیم، اما از روسیه عقب ماندیم. واکنس را تولید کردند. حالا ما زرنگی کردیم و لیگ را به راه انداختیم و کمی جلو افتادیم. اما تعویق المپیک کمک چندانی به ما نکرد.»